

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا

سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۷، بهار ۱۳۹۲

سنخ‌شناسی و تبیین رفتاری مسلمانان در همراهی با پیامبر (ص) در غزوه خندق بر اساس سوره احزاب

شهلا بختیاری^۱

هدیه تقوی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۶

تاریخ تصویب: ۹۲/۱/۳۱

چکیده

غزوه خندق به دلیل شرایط روحی و روانی حاکم بر آن، از غزوات حساس و سرنوشت‌ساز در تاریخ اسلام است. با ورود احزاب به مدینه و پیمان‌شکنی بنی قریظه، لزوم یکدستی در مقابل مشرکان احساس می‌شد؛ اما در مقابل نوع رفتار مسلمانان یکدست نبود. خداوند در سوره احزاب به بیان انواع رفتاری مسلمانان در شش گونه پرداخته که نوع همراهی آن‌ها در سه سنخ همراه فعال، نیمه‌فعال و منفعل قابل تقسیم‌بندی است.

در این مقاله با روش توصیفی - تبیینی ابتدا گونه‌های رفتاری مسلمانان در غزوه خندق شناسایی، سپس به علت‌کاوی تنوع رفتاری آنان پرداخته شده است. به نظر می‌رسد تنوع رفتاری مسلمانان در این غزوه با نوع نگرش آنان و میزان گرایش به ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه اسلامی سال پنجم

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا sh_dr@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا hedyetaghavi@yahoo.com

هجرت در ارتباط است. این مسئله به پیدایش گونه‌های رفتاری و تعلق برخی از آن‌ها در همراهی با پیامبر(ص) در غزوه خندق منجر شد.

واژه‌های کلیدی: سنخ‌شناسی، پیامبر اکرم(ص)، مسلمانان، غزوه خندق،
سوره احزاب.

۱. مقدمه

سال پنجم هجرت در تاریخ اسلام به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی اهمیت دارد. تثبیت حاکمیت اسلامی در مدینه و تبدیل آن به قدرتی نظامی تهدید جدی برای مشرکان و یهودیان شمرده می‌شد. مشرکان می‌کوشیدند با انسجام و فراهم کردن نیرویی عظیم ضربه‌ای سنگین بر مسلمانان وارد کنند؛ از این رو جنگ احزاب را به راه انداختند.

پس از باخبر شدن پیامبر(ص) و مسلمانان از نقشه قریش، مدینه وارد فضای آمادگی دفاعی شد. مقابله با این تهدید بزرگ، همکاری و همراهی فعال مسلمانان را می‌طلبد. با این حال، مسلمانان در همراهی با پیامبر(ص) یکدست نبودند. بر اساس گزارش منابع، همراهی آنان در این غزوه در سه مرحله قابل بررسی است: مرحله اول هنگام رسیدن خبر حمله قریش به مدینه و مشورت پیامبر(ص) با مسلمانان برای برخورد با این خطر بزرگ بود. در این مرحله آمادگی و هماهنگی بالایی در پیروی از فرامین پیامبر(ص) دیده می‌شد؛ چنانکه در کمتر از شش روز مسلمانان توانستند شش کیلومتر خندق حفر کنند. آیتی عرض خندق را ده متر و عمق آن را پنج متر می‌داند (آیتی، ۱۳۶۲: ۳۸۲). مرحله دوم، با ورود احزاب و پیمان‌شکنی بنی‌قریظه همزمان بود. در این مرحله، شرایط اضطراب‌آور روانی ناشی از جنگ سبب شد کسانی که ایمان محکمی نداشتند، در ادامه همراهی با پیامبر(ص) دچار ضعف و سستی شوند. قرآن کریم با واکاوی این مسئله و برملا کردن نیت درونی این افراد، دسته‌بندی دقیقی از آنان ارائه می‌دهد که در منابع گزارش‌چندانی از آن نیست. مرحله سوم در ادامه وضعیت سخت حضور احزاب و نیت درونی یهود، تصمیم‌گیری برای همراهی یا عدم همراهی با رسول اکرم(ص) بود. در این مرحله چالش بین

ایمان و خواسته‌های افراد سبب شد مؤمنان همیشه‌همراه، همچنان خودجوش در عرصه حضور داشته باشند؛ در حالی که سست‌ایمانان، منافقان و بهانه‌جویان با فریب خواندن وعده‌های خداوند و رسول(ص) از ادامه همراهی سر باز زدند. سوره احزاب شش گونه رفتاری را در این غزوه معرفی کرده است: مومنان^۱، بهانه‌جویان^۲، معوقین (بازدارندگان)^۳ مرجفون^۴ (شایعه‌سازان)، «فی قلوبهم مرض» (بیماردلان) (احزاب/ ۱۲) و منافقان.^۵ در این نوشتار این شش گونه با در نظر گرفتن نگرش قرآن با عناوین مؤمنان، بهانه‌جویان، بازدارندگان، شایعه‌سازان، بیماردلان و منافقان بررسی می‌شود. رفتار این گونه‌ها بر اساس میزان همراهی با پیامبر(ص) در سه سنخ همراه فعال، نیمه‌فعال و همراه منفعل تقسیم‌بندی می‌شوند. پژوهش حاضر بر آن است تا با شناسایی گونه‌هایی یادشده به این پرسش پاسخ دهد که مسلمانان در برابر تهاجم احزاب به مدینه چه رفتارهایی نشان دادند و چه عواملی بر بروز این رفتارها اثر گذاشت. در پاسخ به این پرسش، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که نوع نگرش مسلمانان و میزان گرایش به ارزش‌های دینی موجب تنوع گونه‌ای رفتار مسلمانان در همراهی با پیامبر اکرم(ص) در جنگ خندق شد.

۲. رفتار مسلمانان در همراهی با پیامبر(ص) در حفر خندق

رفتار مسلمانان در مقابله با حضور مشرکان و شرایط ناشی از آن برای همراهی با پیامبر(ص)، متأثر از شرایط اجتماعی، روحی و روانی و فرهنگی بوده است. این سه بعد در بروز رفتارهای متفاوت مسلمانان در قبل و هنگام جنگ خندق نقش مهمی داشت. در بعد اجتماعی مسلمانان خود را عضوی از جامعه اسلامی می‌دانستند که آن را با اتحاد و همبستگی در مقابل خطر و تهدید دشمن

۱. «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب/ ۲۲)

۲. «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِذْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» (احزاب/ ۱۳)

۳. «فَدَعَى اللَّهُ الْمُعْوِقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب/ ۱۸)

۴. «لَيْنٌ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب/ ۶۰)

۵. «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب/ ۱۲)

حفظ می‌کردند. برای نیل به این منظور لازم بود مسلمانان منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح دهند و عملکرد هماهنگی با اجتماع را درپیش گیرند. هنگامی که جامعه اسلامی با تهدید دشمن مواجه شد، مردم خود را در سرنوشت آن دخیل دانستند و نقش مشارکتی برای مقابله با بحران و شرایط تهدیدکننده درپیش گرفتند (واقدی، ۱۹۱۹: ۲/۴۴۵). وفاق اجتماعی هم‌سو با سخنان پیامبر(ص) ایجاد شد. عامل تقویت‌کننده دیگری که مسلمانان را در مقابل مشکلات مقاوم کرد، ایمان و اعتقاد به وعده‌های الهی بود. حضور فیزیکی پیامبر(ص) و مشارکت ایشان در حفر خندق نیز باعث تقویت روحیه مسلمانان شد (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۲/۵۱؛ مقدسی، بی‌تا: ۴/۷۰۱). نظام اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی سال پنجم هجرت با کمک فرهنگ و ارزش‌های دینی تعالی یافت و با اعتقاد به وعده‌های الهی انگیزه روحی و روانی بالایی در برخورد با مشرکان بین مسلمانان به وجود آمد (واقدی، ۱۹۱۹: ۲/۴۴۵). ایجاد هماهنگی و تقویت روحیه، حفظ اتحاد و همبستگی بین این نیروها و نظارت دقیق در حفر خندق، با درایت هوشمندانه پیامبر(ص) میسر شد (همان، ۴۴۴-۴۴۵). رسول اکرم(ص) مانند سایر غزوات مردم را در تصمیم‌گیری مشارکت می‌داد (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۲/۵۱). به نظر می‌رسد با این اقدام بحران خندق از یک مسئله سیاسی و دینی صرف خارج و به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شد. این شیوه در مردم مسئولیت ایجاد می‌کرد؛ زیرا عواقب جنگ متوجه اجتماع بود. مشارکت دلسوزانه و فعال مسلمانان در حفر خندق در فاصله زمانی کوتاه، شاهدی بر این مدعا است (طبری، ۱۹۶۷: ۲/۵۶۸). در موفقیت و انسجام مسلمانان در حفر خندق چند عامل مؤثر بوده است که عبارت‌اند از:

۱. مدیریت و توانمندی پیامبر(ص) در هدایت و نظارت بر دسته‌های مختلف مسلمانان در حفر خندق (ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۲/۷۳۰)؛
۲. تقویت روحی و روانی مسلمانان با باور به وعده‌های الهی و تبعیت از دستورات پیامبر(ص) (بیهقی، ۱۹۸۵: ۳/۳۹۹)؛
۳. احساس تکلیف، تعهد و مسئولیت بالای مسلمانان در مقابله با این بحران؛
۴. غالب بودن ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و تأثیر آن بر انگیزه و نگرش مسلمانان؛
۵. تبدیل جهاد و مجاهدت به ارزش و منزلت اجتماعی.

مجموعه این عوامل چهره شهر مدینه را به شهری نظامی و آماده دفاع تبدیل کرد. شواهد و قراین نشان می‌دهد در حفر خندق اتحاد و انسجام جامعه مدینه بی‌نظیر بود. حاضران با مجاهدت و مشارکت خستگی‌ناپذیر اقدام به حفر خندق می‌کردند. در این مرحله یکپارچگی مسلمانان مانعی جدی از پیدایی گونه‌های رفتاری بود. تنها دسته‌ای از منافقان سستی و سهل‌انگاری نشان دادند؛ اما دیگر مسلمانان با تدابیر مدبرانه پیامبر(ص) به انجام کارها پرداختند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/۲۱۶). در این مدت سازمان‌دهی نیروها، نظارت دقیق و تعامل اجتماعی بالای رسول‌اکرم(ص)، تقویت روحیه مسلمانان، ایجاد الفت و دوستی و... از عوامل مهم و تأثیرگذار بر موفقیت مسلمانان بود (ولوی، ۱۳۷۹: ۳). سستی و سهل‌انگاری، طفره رفتن از انجام کار و شانه‌خالی کردن از انجام مسئولیت برای مسلمانان معنا نداشت. تنها گروهی که در کار سستی و سهل‌انگاری می‌کردند منافقان بودند. این گروه به کار تن نمی‌دادند و با بهانه‌های مختلف و بی‌اجازه از پیامبر(ص) دست از کار می‌کشیدند و به مدینه بازمی‌گشتند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/۲۱۶). آنان با اعتراض و تمسخر و سرزنش مسلمانان مواجه می‌شدند (واقدی، ۱۹۱۹: ۲/۴۴۶).

بنابراین در مرحله اول حفر خندق، تنش، اختلاف‌نظر، اظهار بی‌میلی و کراهت در مسلمانان آشکار نبود. در واقع می‌توان در مرحله حفر خندق گونه‌های رفتاری مسلمانان حاضر را به مؤمنان و منافقان تقسیم کرد؛ زیرا تنها منافقان رفتاری متفاوت از دیگر مسلمانان داشتند که بیانگر سستی و کاهلی آنان در همراهی با پیامبر(ص) بود. اختلاف‌نظر، رفتارهای متفاوت و تنوع گونه‌ای با رسیدن احزاب و پیمان‌شکنی بنی‌قریظه آشکار شد. در این مرحله تقابل و کشمکش منافع فردی و جمعی یا به عبارتی ارزش و سنت به‌وجود آمد و مرزهای ایمان مشخص شد.

۳. گونه‌های رفتاری مسلمانان در غزوه خندق

قرآن کریم در آیات متعددی به رفتار انسان‌ها و واکاوی آن پرداخته است. بازگویی نیت درونی و رفتارهای متناسب با آن، بیانگر توجه قرآن به شناخت دقیق تنوع رفتاری انسان است. خداوند این رفتارها را به شکل گفتار و عمل بیان کرده است. در سنخ‌شناسی رفتاری مسلمانان، شاخص و معیار آن مشخص شده است. بارزترین معیار تعیین گونه‌ها در جنگ‌ها، همراهی مسلمانان با پیامبر(ص)

بوده است. این گونه‌شناسی در موقعیت‌های بحرانی و شرایط خطرناک عرصه‌ای برای آزمودن مسلمانان بوده است. بر همین اساس قرآن در سوره‌های آل‌عمران، انفال، احزاب و توبه، گونه‌شناسی رفتاری از مسلمانان در سه غزوه حساس و خطرناک احد، خندق و تبوک ارائه داده است.

در سوره احزاب هفده آیه به جنگ خندق اختصاص یافته که در آن دسته‌بندی دقیقی از رفتار مسلمانان در میزان همراهی با پیامبر اکرم(ص) نشان داده شده است. در این گونه‌شناسی مسلمانان به شش گونه رفتاری دسته‌بندی شده‌اند. تفکیک این گونه‌ها بر اساس نیت درونی و رفتار بیرونی مسلمانان و در بعد گفتار و عمل است. گفتار بازتابی از شخصیت درونی انسان در مواجهه با موقعیت‌های اضطراری است. در واقع منش درونی افراد با گفتار نمود می‌یابد، زیرا فرد در شرایط بحرانی با به‌خطر افتادن امنیت جانی و مالی مصلحت‌جویی را کنار می‌گذارد و بر اساس نیت و عقاید درونی رفتار می‌کند. بر اساس این رویکرد عده‌ای از مسلمانان که بنا بر مصالح فردی و گروهی در ظاهر با پیامبر(ص) همراه شده بودند، در شرایط بحران تغییر روش دادند و از ادامه همراهی بازماندند. در واقع موقعیت بحرانی جنگ خندق محکی برای سنجش ایمان‌ها شد و تنها کسانی همراهی خود را با پیامبر اکرم(ص) حفظ کردند که ایمان درونی استواری داشتند.

عنصر دیگر رفتار در بعد عمل است. در رفتار عملی، حضور و همراهی فعال مسلمانان با پیامبر(ص) مدنظر قرار می‌گیرد. این بعد برخاسته از انگیزه، اهداف، نیت و مقاصدی است که افراد در پاسخ عملی به وضعیت اضطراری انجام می‌دهند. عوامل تأثیرگذار بر رفتار عملی مسلمانان در جنگ خندق، بیشتر با متغیرهای فرهنگی در قالب شاخص‌های ارزشی و عقیدتی قابل پی‌گیری است؛ زیرا افراد متناسب با باور، عقاید و ایمان درونی، اهداف و نیازهای خود رفتار می‌کردند. با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی، چنین رفتاری ممکن است به کنترل درآید، واپس زده یا سرکوب یا حتی فرهنگ‌پذیر شود. محققان معتقدند رفتار عملی، آگاهانه و عامدانه است و بر اساس ادراک و انگیزه‌های درونی افراد انجام می‌شود (مزلو، ۱۳۷۲: ۱۸۹-۱۹۱). بر این اساس بررسی رفتاری که انگیزه‌های درونی مسلمانان در نبرد احزاب را نشان دهد، می‌تواند بازگوکننده باور و ایمان آنان نیز باشد. با توجه به مطالب یادشده می‌توان رفتار مسلمانان را بر اساس میزان

همراهی با پیامبر اکرم (ص) در غزوه خندق در دو بعد رفتار گفتاری و رفتار عملی بر اساس سوره احزاب گونه‌شناسی کرد. تنوع گونه‌ای رفتار مسلمانان در غزوه خندق در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱: سنخ‌شناسی رفتاری مسلمانان بر اساس میزان همراهی آنان با پیامبر (ص)

در غزوه خندق بر اساس سوره احزاب

رفتار عملی		رفتار گفتاری			میزان همراهی	گونه‌های رفتاری
همراه منفعل و باکراه	همراه نیمه‌فعال و منفعت‌جو	همراه فعال و مشارکت‌جو	همراه منفعل و باکراه	همراه نیمه‌فعال و منفعت‌جو		
		+			+	مؤمنان
	+				+	بهبانه‌جویان
+				+		معوین (بازدارندگان)
+				+		فی قلوبهم مرض (بیماردلان)
+				+		مرجفون (شایعه‌سازان)
+				+		منافقان

در این جدول، سه سنخ یادشده را می‌توان تشخیص داد:

- **مؤمنان:** این گروه که در سنخ همراه فعال قرار گرفته‌اند، کسانی بودند که به محض شنیدن دستور پیامبر (ص) در عرصه حاضر شدند و با جد و جهد در حفر خندق کوشیدند. آنان بدون اذن رسول اکرم (ص) عرصه را ترک نمی‌کردند. همچنین با ورود احزاب به مدینه و پیمان‌شکنی

بنی‌قریظه، بدون سوءظن به وعده‌های خداوند و رسول اکرم(ص)، با ایمانی راسخ با پیامبر(ص) همراه شدند. آیه ۲۲ سوره احزاب ایمان و تسلیم قلبی آنان را در فزونی وصف کرده است.^۱

- **سنخ نیمه‌فعال:** در این گروه کسانی قرار داشتند که به دلیل مصالح و منافع شخصی و گروهی با پیامبر(ص) همراه شدند. آنان هنگام بروز بحران، با بهانه‌تراشی و کسب اجازه سعی در ترک همراهی داشتند. ضعف ایمان و سوءظن آنان به وعده‌های خداوند، این گروه را در ادامه همراهی دچار تعلل کرد. خداوند در آیه ۱۰ سوره احزاب به این مسئله اشاره کرده است.^۲

- **سنخ منفعل:** کسانی بودند که از همان ابتدا با اکراه در عرصه حاضر شدند و در جریان حفر خندق با سستی و سهل‌انگاری از انجام کار شانه خالی کردند. آنان با ورود احزاب به مدینه، نیات درونی خود را برملا و با فریب خواندن وعده‌های خدا و پیامبر(ص)، فضای جامعه را متشنج کردند. آیه ۱۲ سوره احزاب به شرح رفتار آنان پرداخته است.^۳

در تفکیک گونه‌های رفتاری مسلمانان معیارهایی مدنظر قرار گرفته که برگرفته از مصادیق قرآن کریم و عملکرد رفتار مسلمانان در دو بعد گفتار و عمل بر اساس شواهد و قراین ذکر شده در منابع است. برای جلوگیری از اطناب در جدول زیر معیارهای تفکیک گونه‌ها بیان می‌شود.

۱. «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»

۲. «إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا»

۳. «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»

جدول شماره ۲: شاخص‌های تحدید و تحصیر سنخ‌های رفتاری مسلمانان در غزوه خندق

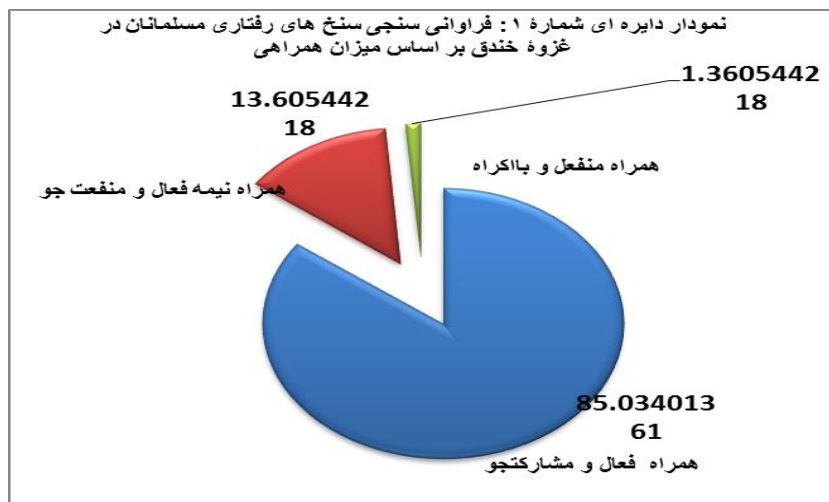
رفتار عملی	رفتار گفتاری	شاخص‌های رفتاری گونه‌های رفتاری
مشارکت دلسوزانه در حفر خندق، استقامت در شرایط بحرانی، تحمل سختی‌ها، مسئولیت‌پذیری، پاسداری از پیامبر اکرم (ص) و انجام فرامین ایشان.	اذعان به صدق وعده‌های خداوند، اطاعت از دستورات پیامبر اکرم (ص)، یادآوری بیعت و تعهد خود با رسول اکرم (ص)، تمسخر کاهلان، سرودن اشعار حماسی، آمادگی دفاعی با تکبیرهای مکرر.	مؤمنان
همراهی در شرایط آرام و منفعت‌جویانه، ترک همراهی در شرایط بحرانی، احساس ناامنی و خطر جانی، ترک صحه نبرد.	بهانه‌تراشی، کسب اجازه از پیامبر (ص) برای ترک عرصه جنگ، ارائه دلایل واهی برای معافیت از جهاد.	بهانه‌جویان
حضور اندک در جنگ، تنگ‌نظری نسبت به مسلمانان، حرص بر غنیمت، اشتیاق به رفتن از مدینه در شرایط بحرانی، کارشکنی، ترک مسئولیت.	بازداشتن مسلمانان از همراهی با پیامبر (ص)، زبان تند و تیز، توجیه رفتار خود.	معوقین (بازدارندگان)
شک و تردید در همراهی، ترک عرصه نبرد در شرایط دشوار بدون اجازه پیامبر (ص).	فریب خواندن وعده‌های الهی و سوءظن به آن‌ها.	«فی قلوبهم مرض» (بیماردلان)
ایجاد ناامنی و نگرانی در بین مردم، متشنج کردن وضعیت جامعه.	بیان سخنان بی‌پایه و اساس، فتنه‌انگیزی، اشاعه باطل، شایعه‌سازی	مرجفون (شایعه‌سازان)
طرفه رفتن از انجام کار و مسئولیت محوله، ترک صحه نبرد بدون اجازه پیامبر (ص)، فرار از عرصه جنگ.	بیان ضعف مسلمانان، بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، سوءظن به خدا و رسول، تمسخر به سخنان و وعده‌های پیامبر اکرم (ص).	منافقان

بر اساس منابع، تعداد مسلمانانی که در غزوه خندق مشارکت داشتند سه هزار نفر بود (واقعی، ۱۹۱۹: ۲/۴۵۳). این آمار بدون ذکر اسامی و مشخصات افراد حاضر در جنگ است. از این تعداد، رفتار ۱۴۷ نفر از شرکت‌کنندگان غزوه خندق در منابع منعکس شده است. تفکیک این تعداد بر اساس سه سنخ همراه فعال، نیمه‌فعال و منفعل کار دشواری است؛ زیرا غیر از افرادی که شرح حال و ویژگی‌های رفتاری آنان در منابع بیان شده، دیگر افراد را نمی‌توان به سهولت در تفکیک سنخی قرار داد. شرایط بحرانی و حضور احزاب، احتمال حمله یهودیان به مدینه در غزوه خندق، مستلزم مشارکت تعداد زیادی از مسلمانان و پایداری آنان بوده است. به همین سبب، در تفکیک سنخ‌ها همراهی افراد و پایداری آنان در غزوه خندق معیار قرار گرفته است. افرادی که در سنخ همراه فعال قرار گرفته‌اند، کسانی بودند که در شرایط سخت و بحرانی همراهی خود را ادامه دادند و پایداری کردند. افراد سنخ نیمه‌فعال در شرایط دشوار و بحرانی دچار تزلزل و تردید شدند و نوع همراهی آنان متناسب با منافع شخصی بود. این سنخ تا زمانی که شرایط بحرانی نشده بود، همراهی خود را حفظ کردند؛ اما به محض پیمان‌شکنی بنی‌قریظه و ورود احزاب در همراهی دچار تعلل شدند.

مسلمانان سنخ سوم از همان آغاز با کراه در عرصه حضور یافتند و در حفر خندق با سستی و سهل‌انگاری بدون اجازه پیامبر(ص) به خانه‌های خود بازمی‌گشتند. بنابراین جامعه آماری که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته بر اساس تعداد افراد معرفی شده در منابع ۱۴۷ نفر است نه کل شرکت‌کنندگان در غزوه خندق. با توجه به این تعداد بیشترین درصد همراهی در سنخ اول و کمترین آن در سنخ سوم است. البته منابع از ذکر افراد سنخ‌های دوم و سوم خودداری کرده صرفاً به معرفی کلی افراد در قالب الفاظی چون عده‌ای و گروهی پرداخته است. مسلماً تعداد آنان بیش از آن چیزی است که در این تحقیق یافت شده است (همان، ۴۶۰). با این توضیح می‌توان جدول فراوانی سنخ‌ها را چنین ترسیم کرد:

جدول شماره ۳: فراوانی سنجی سنخ‌های رفتاری بر اساس میزان همراهی با پیامبر در غزوه خندق

درصد	تعداد	سنخ‌های رفتاری
۸۵/۰۳	۱۲۵	همراهی فعال و مشارکت‌جو
۱۳/۶۰	۲۰	همراه نیمه‌فعال و منفعت‌جو
۱/۳۶	۲	همراهی منفعل و بااگره
۱۰۰	۱۴۷	مجموع



شکل شماره ۱: فراوانی سنجی سنخ‌های رفتاری مسلمانان در غزوه خندق بر اساس میزان همراهی

بر اساس این آمار، بیشترین درصد همراهی در سنخ اول بوده است. با توجه به نتیجه و موفقیت مسلمانان در جنگ نیز چنین چیزی مسلم است. با وجود کم بودن درصد سنخ سوم این تعداد به دلیل متشنج کردن جامعه، ایجاد هراس در بین مسلمانان و بروز رفتارهای متناقض با ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی اهمیت دارند. در تبیین علل و عوامل مؤثر بر فراوانی سنخ اول و پایین بودن سنخ سوم، نوع نگرش مسلمانان و میزان گرایش به ارزش‌های دینی را می‌توان با اهمیت دانست.

۴. نگرش گونه‌های رفتاری مسلمانان در شرایط بحرانی غزوه خندق

جنگ خندق به دلیل حساسیت و شرایط خطرناک، نقطه بحرانی در تاریخ سیاسی-اجتماعی مدینه بود. در آغاز مسلمانان روحیه بالایی در برخورد با مشرکان داشتند و با احساس امنیت از درون مدینه، تمام نیروی خود را برای مقابله با مشرکان بسیج کردند. نقطه اوج بحران با رسیدن احزاب و پیمان‌شکنی بنی قریظه به وجود آمد. در این شرایط، مدینه از سوی یهودیان با تهدید جدی مواجه شد و امنیت زنان و کودکان به خطر افتاد. با دریافت خبر نقشه یهودیان برای شیبخون‌زدن به مدینه، گرفتاری عظیمی برای مسلمانان پیش آمد. یهودیان حبی بن‌اخطب را نزد قریش فرستادند تا با نیروی کمکی آنان به مدینه شیبخون بزنند (همان‌جا). در این شرایط، پیامبر(ص) با درایت و کاردانی، آمادگی دفاعی در مدینه ایجاد کرد. گروه‌های دوپست و سیصد نفری اعزامی برای پاسداری از مدینه تا سپیده دم تکبیر گفتند و مانع اقدام مخالفان شدند (طبری، ۱۹۶۷: ۲ / ۵۷۱). از سویی با هم‌اورد طلبی‌های قریش در پشت خندق مقابله شد و در مقابل حمله گروهی به سرداری خالد بن ولید، کارزار تا پاره‌ای از شب ادامه یافت. حساسیت مقابله را از آنجا می‌توان دریافت که به دلیل طولانی شدن کارزار نماز ظهر و عصر مسلمانان قضا شد و امکان گزاردن نماز مغرب و عشا نیز میسر نشد (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۲ / ۵۲-۵۳). در چنین شرایطی امنیت اجتماعی مسلمانان به پایین‌ترین حد خود رسید و شرایط تهدید فراهم شد. در پی تهدید و به‌خطر افتادن امنیت مدینه، اضطراب و ترس در جبهه مسلمانان زیاد شد. در نتیجه این روند موجب ترس و اضطراب و دگرگونی رفتار عده‌ای از مسلمانان شد. گذراندن بحران و مقابله با آن مستلزم تعامل و همراهی مسلمانان با پیامبر اکرم(ص) بود، در حالی که عده‌ای از مسلمانان این تعامل را نداشتند و با درپیش گرفتن

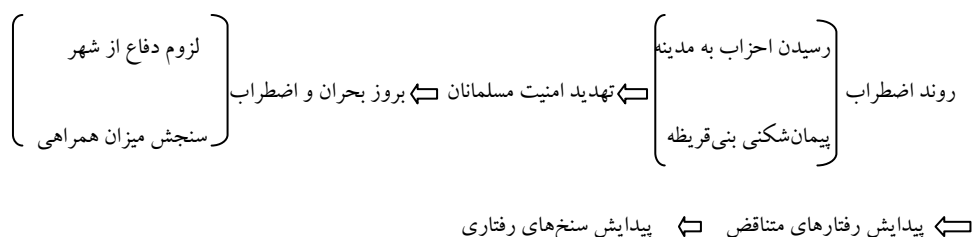
رفتارهای ناسازگار به تشدید بحران کمک می‌کردند. از آنجایی که اضطراب موجود موجب تعلل مسلمانان در همراهی با پیامبر(ص) شده بود، امکان عملکرد عقلانی برای برخی از مسلمانان پایین آمد و با درپیش گرفتن رفتارهای احساسی و هیجانی به آشفتگی وضع موجود افزودند. این مسئله کارآیی آنان را در مواجهه با مشکل کاهش داد. حادثه ناگهانی و غیرمنتظره پیمان شکنی بنی قریظه سبب تشویش اذهان مسلمانان شد. در چنین شرایطی مسلمانانی که دارای ثبات عقیدتی بودند، همراهی خود را با پیامبر(ص) حفظ کردند؛ اما سست ایمانان در بوتۀ آزمایشی سخت لغزیدند و به کثرتاری و ناهماهنگی رو آوردند. قرآن این وضعیت را در آیات ۱۱ و ۱۲ احزاب به «زلزال شدید» تعبیر کرده است که در تکان‌های شدید سره از ناسره باز شناخته می‌شود.^۱

بنابر دیدگاه روان‌شناسان اگر فشارهای وارده بر افراد تا حدی باشد که نتوانند تعارض درونی و بیرونی خود را حل کنند، گرفتار اضطراب و ترس می‌شوند. ترس موجود آنان را از ادامه فعالیت باز می‌دارد و باعث درپیش گرفتن الگوی رفتاری ناسازگار می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۱: ۲۵۲). وضعیت مسلمانان خندق نیز چنین بود. ترس آنان به حدی بود که قرآن کریم در آیه ده سوره احزاب از گروهی از آنان با عنوان «فی قلوبهم حناجر» یاد می‌کند؛ یعنی کسانی که از شدت ترس جان‌هایشان به گلو رسیده بود؛ زیرا از سوی مشرکان و یهودیان در معرض تهدید قرار گرفته بودند. همین مسئله باعث سوءظن عده‌ای از مسلمانان نسبت به وعده‌های خداوند شد و به گفته قرآن در آیه ۱۰ سوره احزاب، این سوءظن شدید بود.^۲ روند اضطراب را که منجر به پیدایی سنخ‌های رفتاری مسلمانان در غزوه خندق شد می‌توان در مدل زیر ترسیم کرد:

۱. «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا» (احزاب / ۱۱). «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ

رَسُولُهُ إِلَّا عُرُوءًا» (احزاب / ۱۲).

۲. «إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا» (احزاب / ۱۰).



شکل شماره ۲: روند اضطراب مسلمانان

شرایط خندق محکی برای بروز اهداف و نیات درونی مسلمانان شد. تا قبل از بروز بحران مسلمانان اعم از مؤمنان و سست‌ایمانان در ظاهر با پیامبر اکرم(ص) همراه شده بودند؛ اما شرایط بحران زمینه را برای آشکار کردن نوع نگرش، نیات درونی و جدا شدن مؤمنان واقعی از دیگر گروه‌ها فراهم آورد (واقعی، ۱۹۱۹: ۲ / ۴۵۹). در چنین شرایطی، نوع نگرش مسلمانان به دین و ارزش‌های دینی می‌توانست مقیاس مناسبی برای جهت‌گیری رفتار آنان باشد. در نگرش درون‌سو به دین، دینداری و حفظ ارزش‌های دینی هدف قرار می‌گیرد؛ اما در نگرش برون‌سو به دین، دینداری وسیله‌ای برای رسیدن به دیگر اهداف می‌شود و نیازهای مادی مهم‌تر تلقی می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۱۵۳). در واقع مسلمانان حاضر در خندق با این نوع نگرش از هم تفکیک شدند و رفتاری متناسب با نگرشی که به دین داشتند درپیش گرفتند. سنخ همراه فعال، مؤمنان و معتقدان به دین بودند که حفظ ارزش‌های دینی و عمل به آن، هدف آنان بود. آنان اهداف خود را همسو با دین قرار می‌دادند و بحران خندق را جزء وعده‌های خداوند می‌دانستند و با مسئولیت‌پذیری به امر جهاد اقدام می‌کردند و آرمان آنان کسب سعادت اخروی بود. به همین دلیل حضور احزاب و پیمان‌شکنی بنی‌قریظه نه تنها آنان را نسبت به وعده‌های الهی سست نکرد، بلکه بر ایمانشان افزود. خداوند در آیه ۲۲ سوره احزاب به این مسئله اذعان داشته است.^۱ اما سست‌ایمانان در شرایط بحرانی با بهانه‌تراشی در همراهی با پیامبر اکرم(ص) تعلل ورزیدند. این مسئله نشان

۱. «وَكَمَا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب / ۲۲).

می‌دهد که حفظ دین و پای‌بندی به آن هدف اصلی این گروه نبود و آنان حاضر نشدند در شرایط بحرانی جان خود را به خطر اندازند. ضعف ایمان این گروه باعث شده بود تا ادراک و نگرشی عمیق به شهادت و رسیدن به سعادت اخروی نداشته باشند. خداوند در آیه ۱۶ سوره احزاب به فرار آنان از مرگ اشاره کرده است.^۱ با بروز بحران، این عده بین وضعیت موجود و اهداف خود تفاوت جدی احساس می‌کردند. بر همین اساس درصدد دگرگون کردن وضعیت متناقض با اهداف خود برآمدند و با بهانه‌تراشی رفتاری دفاعی درپیش گرفتند. این گروه برای سرپوش گذاشتن بر عملکرد خود و جلوگیری از سرزنش‌های اجتماعی از پیامبر(ص) اجازه معافیت از جهاد می‌خواستند. خداوند در آیه ۱۳ سوره احزاب اذن‌خواهی آنان را بهانه‌ای برای فرار از جهاد دانسته است.^۲

مسئله دیگری که رفتار مسلمانان را به ناهماهنگی و پیدایش گونه‌ها کشاند، شک و تردید عده‌ای از مسلمانان به وعده‌های خداوند و رسول اکرم(ص) پس از تهدید امنیت مدینه بود. در پی آن منافقان و عذرخواهان نیت درونی خود را برملا کردند و از ادامه همراهی سر باز زدند. در اینجا مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد علل بروز رفتار مغایر با ارزش‌های دینی است. اهداف و نیازهایی که منافقان در همان ابتدا دنبال می‌کردند، همسو با ارزش‌های دینی نبود و در مادیات خلاصه می‌شد. آنان با توجه به شرایط بحرانی خندق با پیش‌بینی شکست مسلمانان به برداشتی سطحی از وضعیت موجود رسیدند و گزینه مناسب را ترک عرصه جنگ می‌دانستند. به همین دلیل به محض ایجاد شرایط بحران با تمسخر وعده‌های پیامبر(ص) آن را فریبی از جانب خداوند می‌دانستند. این رفتار در مقایسه با رفتاری که پیش از آن از خود نشان داده بودند تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۴۱۰).

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد همزمانی بین بروز بحران و به وجود آمدن تعلل رفتاری منافقان و سست‌ایمانان است. با رسیدن احزاب و پیمان‌شکنی یهود شرایط هیجانی و دور از

۱. «قُلْ لَنْ يُنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب/۱۶).

۲. «وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا اَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ اِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ اِنْ يُرِيدُونَ اِلَّا الْفِرَارَ» (احزاب/۱۳). ۲

انتظار برای مسلمانان به وجود آمد که قبلا آن را پیش‌بینی نکرده بودند. این مسئله فرصت لازم برای تعمق و درپیش گرفتن رفتار هماهنگ با پیامبر(ص) را از سست‌ایمانان گرفت. ترس و وحشت ناشی از آن، چنان یک‌دفعه و آنی بود که انگیزه‌های درونی مسلمانان را با رفتاری متمایز از قبل برملا کرد. در چنین شرایطی افراد نیات درونی خود را در قالب رفتاری به شکل کلامی و غیر کلامی بروز دادند (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۱). منافقان نیز در این وضعیت نیات درونی خود را آشکار کردند. قرآن کریم ویژگی‌های رفتاری این گروه را با شناسایی علائم ظاهری و کلامی نشان داده است. مشخصاتی که قرآن بیان می‌کند در رفتارهایی از قبیل: با کسالت نماز خواندن، نبود صفای ایمان در وجود آنان، داشتن دلی بیمار و... نمود پیدا کرده است (احزاب / ۱۲؛ نساء / ۱۴۲؛ توبه / ۵۴) بنابراین منافقان با نگرشی مادی در همراهی با پیامبر(ص) و مقاومت در برابر مشرکان سستی نشان دادند، در حالی که مؤمنان همیشه همراه، در تمام لحظات حضور فعال خود را حفظ کردند.

۵. رفتار مسلمانان در غزوه خندق متأثر از ارزش‌های دینی

در بررسی علل رفتار گونه‌ها، نباید از عوامل فرهنگی غافل بود. فرهنگ متشکل از فعالیت‌های معرفتی، عاطفی و احساسی انسان‌ها است که در نتیجه ارتباط با دیگران تداوم می‌یابد و به تفکر و عملکرد افراد متناسب با فرهنگ مورد پذیرش جامعه رسمیت می‌بخشد. در این صورت فرهنگ غالب بر جامعه تعمیم می‌یابد و جزئی از قواعد زندگی افراد می‌شود و در نتیجه به همبستگی اجتماعی و وفاق جامعه می‌انجامد. در چنین حالتی فرهنگ با تبدیل به یک نظام و سیستم، عناصر مختلف و معینی را به وجود می‌آورد و شخصیت روانی افراد در قالب آن شکل می‌گیرد (روشه، ۱۳۶۷: ۱۲۳-۱۲۹). در جامعه اسلامی سال پنجم هجرت، فرهنگ اسلامی مقبولیت پیدا کرده بود و عمل به آن بیانگر شخصیت اجتماعی و روانی مسلمانان بود. عناصر فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه، ارزش‌ها، آموزه‌های دینی و عقیدتی بودند. شاخص‌های مهمی که در نظام ارزشی اسلام بر مشارکت و حضور افراد در جهاد تأثیر گذاشت رضای خداوند، کسب سعادت اخروی، جهاد،

شهادت، رسیدن به بهشت جاودانی و... بود. این شاخصه‌ها در آیات متعددی از قرآن بیان شده‌اند.^۱ میزان باور و پایبندی افراد به شاخص‌های یادشده با نوع رفتار و مقاومت آنان در شرایط سخت و طاقت‌فرسا تناسب داشت. بر همین اساس ارزش‌های دینی در تعیین رفتار مسلمانان، به خصوص در شرایط بحرانی نقشی تعیین‌کننده داشتند.

ارزیابی مسلمانان از غزوه خندق و پیامدهای احتمالی آن بر اساس ارزش‌ها و نگرش‌های آنان نسبت به هدف درپیش‌رو بود. آنان متناسب با تفکر، عقیده و هدف خود، گزینه‌های پیش‌رو را انتخاب کردند و با جهت‌گیری ارزشی، هم‌سو با وظایف، تعهدات، اهداف و نیازها مسیر مطلوب را به زعم خود از نامطلوب تشخیص دادند و آنچه را مطلوب ارزش‌ها بود، برگزیدند. با توجه به تنوع ارزش‌ها و اهدافی که هرکدام از گونه‌های رفتاری در نظر داشتند، بیشترین ارزش دیدگاه مؤمنان آن بود که از سوی پیامبر اکرم (ص) ارائه می‌شد. در این صورت معیار انتخاب برای مسلمانان معتقد مشخص بود؛ زیرا آنچه رسول اکرم به ترویج آن سفارش می‌کرد، مطلوب و آنچه را نهی می‌کرد نامطلوب بود. بنابراین می‌توان سیر الگوی رفتاری مسلمانان در غزوه خندق را مطابق الگوی زیر بیان کرد:

فرهنگ ← ارزش‌ها ← اهداف ← رفتار

ارزش‌های رایج جامعه اسلامی سال پنجم هجرت مبتنی بر دین بود. مؤمنان اهداف موردنظر خود را متناسب با آن انتخاب می‌کردند. در حالی که منافقان و سست‌ایمانان در پی دستیابی به اهدافی بودند که بیشتر مبتنی بر سنت‌های اجتماعی و مادی بود. در واقع می‌توان اهداف سنخ‌های رفتاری در غزوه خندق را به اهداف مقطعی و اهداف غایی تقسیم کرد. اهداف مقطعی ناظر به رویکرد مادی‌گرایانه‌ای بود که سنخ‌های نیمه‌فعال و منفعل در صدد دستیابی به آن بودند. در

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره / ۲۱۸).

«فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يَفْتَلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يُغْلَبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء / ۷۴).

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء / ۹۵).

حالی که اهداف غایی که مؤمنان همیشه همراه دنبال می‌کردند، رویکرد معنوی و فرامادی داشتند و در قالب ارزش‌هایی چون کسب سعادت اخروی و خشنودی خداوند قرار می‌گرفت. مؤمنان در گونه‌های رفتاری برای رسیدن به اهداف موردنظرشان، به ابزارهای مناسب نیاز داشتند. از دیدگاه مؤمنان کسب رضای خداوند و سعادت اخروی در گرو جهاد و شهادت در راه حق بود. آنان مشارکت در جنگ را فرصتی برای رسیدن به سعادت اخروی می‌دانستند و با مشارکت خودجوش و اعتقاد به وعده‌های الهی پیامبر(ص) را همراهی می‌کردند. خداوند در آیه ۲۳ سوره احزاب به این مسئله اشاره کرده است.^۱ آمار موجود در منابع نشان می‌دهد که در این غزوه سنخ همراه فعال بر دیگر سنخ‌ها غلبه داشته و تا پایان جنگ همراهی خود را با پیامبر(ص) حفظ کرده است.

سیستم ارزشی جامعه اسلامی عصر نبوی، دارای معیارهای تشویقی برای تحمل سختی‌ها و پایداری در راه حق بود. متناسب با ارزش‌های دینی و آیات قرآنی، هرچه مسلمانان در راه حق و دفاع از آن مقاوم‌تر بودند، به پاداش‌های والاتری چون قرب و رضای الهی دست می‌یافتند. آیات ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره آل عمران به این موضوع پرداخته است.^۲ مسلماً مطابق با احساسات حق‌مدارانه و شرافت‌آمیزی که دین به مسلمانان می‌داد، انگیزه‌های شخصی را به سمت و سوی انگیزه‌های دینی سوق می‌داد و برای آنان منزلت ایجاد می‌کرد.

برای مؤمنان همیشه همراه که عقاید آنان بر پایه معرفت و شناخت قلبی شکل گرفته بود، دل‌بستگی عمیق مذهبی و دینی وجود داشت؛ زیرا ایمان همراه با معرفت، ریشه‌های عمیق و محکمی در قلب انسان ایجاد می‌کند که بر تمام زندگی و رفتار وی اثر می‌گذارد (جمیز، ۱۳۷۲: ۱۹۸). ارتباط قلبی آنان با قدرتی مافوق انسانی باعث تسلیم بی‌چون‌وچرا به درگاه خداوند شد. با توجه به تحلیل‌های روان‌شناسانه هرچه امیال، آرزوها و افکار انسان از عالم ماوراءالطبیعه ریشه بگیرد، خواسته‌ها و اهداف او با حساب‌های مادی و عقلانی سازگاری نخواهد داشت؛ بلکه با

۱. «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

۲. «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» «هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ»

اتصال به عالم بالا رفتار و اعمال خود را متناسب با درجات روحی که به آن رسیده است، تغییر می‌دهد (همان، ۲۰۰). رفتاری که مؤمنان همراه برای رسیدن به اهداف والا جستجو می‌کردند، با امور مادی برآورده نمی‌شد، بلکه رسیدن به آن مستلزم گذشتن از امور مادی و رسیدن به معنویات بودن. به هر اندازه که افراد به امور دینی اهمیت می‌دادند، خواسته‌ها، آرزوها و اهداف آنان نیز محقق می‌شد. در واقع هرچه دینداری برای افراد مهم‌تر باشد بر واکنش آنان در زندگی تأثیر می‌گذارد. در اصول اسلامی، دین تکلیف‌آور است و برای مسلمانان تعهد و عمل به‌همراه می‌آورد. یکی از تکالیف بسیار بزرگ که بر هر مسلمان توانا واجب شده، شرکت در جهاد است. مؤمنان همراه شرکت در جهاد را تکلیفی واجب می‌دانستند که سر باز زدن از آن گناه شمرده می‌شد. این مسئله وقتی با وعده‌های الهی و پاداش‌های اخروی همراه می‌شد، انگیزه درونی آنان را برای جنگ بیشتر می‌کرد. آنان بدون اذن پیامبر(ص) دست از کار نمی‌کشیدند؛ چنانکه قرآن کریم نیز یکی از ویژگی‌های بارز آنان را رفتن با اذن پیامبر(ص) می‌داند (نور / ۶۲). در مدت محاصره خندق، مؤمنان با یادآوری بیعت خود با پیامبر(ص) بر تعهد و مسئولیتی که درقبال آن داشتند تأکید کردند و تا پای جان با پیامبر(ص) همراه شدند. رسول اکرم(ص) نیز برای آنان طلب مغفرت کرد (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۵۳ / ۲). چنانکه سعد بن معاذ با وجود زخمی شدن از خداوند چنین درخواست کرد:

بار خدایا اگر هنوز جنگ با قریش پایان نیافته و باز هم بناست مسلمانان به جنگ با قریش بروند مرا زنده بدار تا در جنگ‌های دیگر شرکت کنم؛ زیرا چیزی نزد من محبوب‌تر از جنگ با آنها نیست. آن‌هایی که پیامبر(ص) تو را آزار کرده و او را تکذیب نموده و از شهرش بیرون کرده و اگر جنگ با قریش به آخر رسیده این زخم را شهادت من قرار ده (ابن هشام، بی تا: ۲ / ۲۲۷).

این دعا خود گویای بارزی بر خواسته‌ها، اهداف و نیازهای فرامادی مؤمنان همراه با پیامبر(ص) بود. امداد خداوند و انگیزه‌های دینی و همراهی مشتاقانه مؤمنان با رسول اکرم(ص) بود که به پیروزی آنان در جنگ خندق منجر شد و از آن به بعد دیگر مشرکان به سراغ مسلمانان نیامدند.

۶. نتیجه‌گیری

در بررسی سنخ‌شناسی رفتاری مسلمانان در غزوة خندق، بنابر آیات سوره احزاب و شواهد و قراین تاریخی، شش گونه شناسایی شدند. این گونه‌ها در شرایط بحرانی خندق، یعنی حضور احزاب و پیمان‌شکنی بنی‌قریظه بروز خارجی پیدا کردند. آنان در وضعیت بحران، انگیزه‌ها و نیات درونی خود را برملا کردند و برخی از آنان با تعلق در همراهی با پیامبر(ص) به بهانه‌جویی پرداختند. موفقیت و پیروزی مسلمانان در جنگ خندق، حکایت از بالا بودن همراهان فعال پیامبر(ص) دارد، اما زمزمه‌های چالش سنت با دین و همراه نشدن با پیامبر(ص) در این غزوه نمود یافت و در غزوات بعدی آمار کسانی که در همراهی با پیامبر(ص) تعلق ورزیدند، بیشتر شد.

فراوانی‌سنجی در این غزوه بر اساس آمار ذکر شده در منابع از گونه‌های رفتاری در سه سنخ همراه فعال، نیمه‌فعال و منفعل انجام شده است که بیشترین درصد فراوانی را سنخ همراه فعال با ۸۵/۰۳ درصد به خود اختصاص داده است. جامعه آماری این پژوهش، بر اساس آمار موجود در منابع متشکل از ۱۴۷ نفر بود که از این تعداد ۱۲۵ نفر در سنخ همراه فعال و مشارکت‌جو قرار گرفتند. شاخصه‌هایی که برای تفکیک سنخ‌ها در نظر گرفته شده بر اساس میزان همراهی آنان با پیامبر(ص) در غزوة خندق بوده است.

در تبیین علل و عوامل رفتار مسلمانان و بالا بودن سنخ همراه فعال، نوع نگرش و غالب بودن ارزش‌های دینی تأثیرگذار بود. در شرایط بحرانی غزوة خندق، گروهی که پایداری کردند، مؤمنان و همراهان فعال پیامبر(ص) بودند. علت پایداری و مقاومت این گونه را باید در باور و عقاید درونی آنان و ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه جستجو کرد. این افراد با تعیین اهداف غایی و فرامادی، جنگ را عرصه و وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف والای خود می‌دانستند و تا پای جان مقاومت می‌کردند.

منابع

- قرآن کریم

- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۶۲). *تاریخ اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.

- آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی اصل (۱۳۸۵). **درآمدی بر روان‌شناسی دین**. تهران: سمت.
- (۱۳۸۲). **روانشناسی اجتماعی با تکیه بر منابع اسلامی**. تهران: سمت.
- ابن اسحاق (۱۳۷۷). **سیرت رسول الله**. ترجمه رفیع‌الدین اسحاق بن قاضی همدانی ابرقوه. تهران: خوارزمی.
- ابن سعد (۱۹۹۰). **الطبقات الكبرى**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام (بی تا). **السيره النبویه**. بیروت.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۹۸۵). **دلائل النبوه**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جیمز، ویلیام (۱۳۷۰) **دین و روان**. ترجمه مهدی قائنی. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ریشه، گی (۱۳۶۷). **کنش اجتماعی**. ترجمه هما زنجانی زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۱). **درآمدی بر روان‌شناسی انسان**. تهران: آزاده.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷). **تاریخ الطبری**. بیروت: دارالتراث.
- مزلو، آبراهام (۱۳۷۲). **انگیزش و شخصیت**. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). **البدء و التاريخ**. مکتبه الثقافه الدینیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۹۱۹). **المغازی**. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ولوی، علی محمد (۱۳۷۹). «مدیریت در بحران پژوهشی موردی در مدیریت پیامبر اکرم (ص)». **فصلنامه تاریخ اسلام**. ش ۳. صص ۷-۲۳.
- یعقوبی، ابی واضح (بی تا). **تاریخ یعقوبی**. بیروت: دار صادر.